

دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم، شماره ۱، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۸ ش. ص ۱۳۹-۱۵۵.

نقش باورهای دینی در مدیریت

محسن ملاکانظمی

کارشناسی اوشد تفسیر و علوم قرآن

چکیده

تدوین علوم انسانی با جهان بینی افراد و مکاتب، ارتباط مستقیم دارد از این رو هر مکتبی که بخشی از «علم مدیریت» را گسترش می دهد، به همان اندازه نگرش های خود را در آن وارد می سازد، لذا اگر نگرش ما نسبت به هستی، انسان و مدیریت از نگاه قرآن سامان یابد، دانش مدیریت ما نیز دگرگون خواهد شد.

نظر قرآن در مورد هستی این است که نظام تکوین با نظام تشریح کاملاً هماهنگ است، لذا اگر کسی خلاف قوانین (تشریح و تکوین) عالم حرکت بکند، نظام هستی او را همراهی نمی کند. حال اگر یک سازمان با مدیریتی خاص بر خلاف قوانینی هستی حرکت کند، دچار مشکل خواهد شد. نظر قرآن نسبت به انسان این است که او اشرف مخلوقات و صاحب کرامت است و دو بعد مادی و معنوی دارد که، هر کدام نیازهای خاص خود را می طلبد و پاسخ دمی به نیازهای هر بخش، ما را از پاسخ دمی به بعد دیگر بی نیاز نمی کند.

مدیر نیز برای مدیریت باید از قوانین هستی آگاهی داشته باشد و به وجود پیچیده انسان و نیازهایش نیز معرفت داشته باشد تا مدیرتش موفقیت آمیز باشد، زیرا اگر مدیر از قوانین هستی، استمدادها، نیازها و نیروهای نهفته در وجود انسان بی حیر باشد و راه متعادل کردن آن را نداند، فاجعه ای عظیم به بار می آورد چنان که

۱۸۵۷۱

در کشورهایی که از معارف انبیاء فاصله گرفته‌اند، این وضع آشفته را می‌بینیم
مدیریت امانتی است که باید به اهلش واگذار شود؛ از این رو مدیران به طور
مستقیم از طرف خداوند حکیم معرفی می‌شوند یا خداوند ملاک‌های انتخاب
آن‌ها را بیان می‌فرماید.

واژه‌های اصلی: قرآن، مدیریت، باورهای دینی، جهان بینی.

درآمد

موضوع مدیریت همواره مورد توجه بشر بوده تا بتواند امکانات را بهتر بسیج کند و زودتر به اهداف خود برسد و البته در این مسیر به توفیقاتی هم دست یافته است، ولی از آن جا که تدوین «علوم انسانی» با «جهان‌بینی» افراد و مکاتب ارتباط مستقیم دارد، هر گروه و مکتبی که بخشی از «علم مدیریت» را توسعه داده، به همان اندازه، نگرش‌های خود را در آن دخیل کرده است. به همین خاطر ضرورت دارد ما با «جهان‌بینی قرآنی» به مسئله «مدیریت» بنگریم و «علم مدیریت» را با رویکرد قرآنی تدوین کنیم.

مفهوم‌شناسی

مدیریت از نظر لغت: «مدیریت» مصدر جعلی به معنای «مدیر بودن» و «اداره کردن» است مدیر بر وزن «مقیم» اسم فاعل به معنای «اداره کننده» و مصدرش «دَوَّران» (گردیدن) است و منظور از مدیر «گرداننده» می‌باشد. (اقرب الموارد، به نقل از: ویژگی‌های مدیریت اسلامی، ۱۳).

مدیریت در اصطلاحی: تقریباً به تعداد نویسندگان کتاب‌های مدیریت، برای مدیریت تعریف وجود دارد. ما برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

۱- «فایول» (Fayol) از صاحب‌نظران علم مدیریت.

«مدیریت یعنی پیش‌بینی فعالیت برای نیل به هدف‌های سازمان در آینده» (رضاییان، علی اصول مدیریت، ۱۳).

۲- «بارناده» (Barnard) از پیشگامان علم مدیریت:

«همکاری دو یا چند نفر انسان برای نیل به هدف معین و مشخص را مدیریت می‌گویند» (محمدی ری‌شهری، محمد، اخلاق مدیریت در اسلام، ۱۲).

۳- دکتر «علی رضائیان»:

«مدیریت، فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی بر اساس نظام لوزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد» (اصول مدیریت، ص ۲۵).

جمع‌بندی: علم مدیریت نتیجه علوم مختلف انسانی است و حاصل تلاش اندیشمندان در علوم مختلف انسانی با هم تلفیق شده و دانش مدیریت را پدید آورده است، لذا افراد با توجه به رویکردشان به دانشی خاص، علم مدیریت را تعریف کرده‌اند و به همین خاطر با تعدد تعریف روبه‌رو هستیم. به نظر می‌رسد بتوان مدیریت را با توجه به وظایف مدیران چنین تعریف کرد:

«فرآیند شناخت برنامه‌ریزی، کنترل، هماهنگی، هدایت و رهبری و ایجاد انگیزه در نیروها، برای رسیدن به اهداف مورد نظر».

جهان‌بینی: برای این اصطلاح هم معانی متعددی شده است، از جمله: «یک سلسله اعتقادات و پیش‌های کلی هماهنگ درباره جهان و انسان و به طور کلی درباره هستی» (مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، ۱، ۲۹).

پیشینه دانش مدیریت

با توجه به اجتماعی بودن انسان، مدیریت از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی است و از دیرباز مورد توجه بشر بوده است و انسان برای بسیج امکانات و دستیابی به اهداف به مدیریت و رهبری نیاز داشته است، ولی پیچیدگی مسائل و گسترش روزافزون سازمان‌های اجتماعی - که مدیریت با ساختارهای خاص خود را می‌طلبد - اهمیت ویژه‌ای به مساله مدیریت بخشید.

برخی اولین مکتوبات در علم مدیریت را به افلاطون (۳۴۸ - ۴۲۸ ق. م.)

شاگرد برجسته سقراط تسبت می دهند.

نظام اجتماعی مورد توصیه او جامعه‌ای است که آن را «مدینه فاضله» می نامد و ویژگی های یک شهر ایده‌آل را نام می برد.

بعد از او فیلسوف بزرگ یونان باستان ارسطو (۲۲۲ - ۳۸۴ ق. م) در زمینه امور اجتماعی نظریاتی جامع تر، واقع بینانه تر و مدون تر دارد. بعد از ظهور اسلام دانشمندان اسلامی در این زمینه تألیفاتی ارائه کردند که در ادامه بیان می شود.

مکاتب مختلف در امور مدیریت تاریخچه پلندی دارند و اولین کتاب مستقل آن در سال (۱۷۷۶ م) توسط «آدام اسمیت» به رشته تحریر در آمد، ولی بحث کلاسیک آن از سال (۱۹۰۹ م) زمانی که «تایلر» اولین کتاب علمی مدیریت در غرب را نوشت، آغاز شد. مفاهیمی که او به کار برد مبتنی بر تحلیل مراحل کار، اندازه گیری استفاده از محاسبات و احتمالات و آمار و ریاضیات است.

این علم برای رفیع نیاز آن جامعه رشد کرد و بعدها «مکتب مدیریت علمی» نارسایی هایی پیدا کرد و «مکتب روابط انسانی» کوشید، جوامع این نارسایی ها را بدهد. حاصل تضاد بین این دو مکتب ایجاد «مکتب ساختار یا ساختارگرایی» بود که کوشید بین این دو مکتب رابطه برقرار کند. به همین ترتیب مدیریت در کشورهای غربی کامل تر شد تا به امروز که «مدیریت سیستمی» و ... مطرح است. علت این پیشرفت نیاز جوامع غربی به مدیریت است. کشورهای جهان سوم نیز که مراکز تحقیقاتی ندارند، همواره از همین یافته ها استفاده می کند. (دیباچه ای بر مدیریت اسلامی، مقاله دکتر برنجی، ۲۲۳). در غرب - طبق آمار - هر روز یک کتاب و ۸۶ مجله تخصصی در مورد مدیریت منابع انسانی به چاپ می رسد (فصلنامه مصباح، ش ۱۹، ص ۱۰۰ به نقل از: قوامی، سید صمصام الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، ۲۷)

پیشینه مدیریت بین مسلمانان

مدیریت اسلامی موصوعی است که سابقه آن به صدر اسلام می‌رسد و در قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و به ویژه کلمات نورانی حضرت علی به این موضوع پرداخته شده است و نامه حضرت به موالیان، به ویژه مالک اشتر، سرشار از مباحث مدیریت اسلامی است.

فارابی (قرن سوم و چهارم)، بوعلی سینا (قرن چهاردهم و پنجم)، ابن خلدون (قرن هشتم و نهم)، خواجه نظام الملک و دیگران مطالبی از حدود در زمینه مدیریت و شیوه‌های اداره جامعه بر جای گذاشته‌اند (نقوی، سید رضا، نگارشی پر مدیریت اسلامی، ۲۶ به بعد).

اولین و قدیمی‌ترین پژوهش مستقل در این زمینه به «علی بن محمد بن مسعود حراعی» (متوفای: ۷۸۹ ق) مربوط است که با عنوان «تحریج الدلالات السمیه علی ما کان فی عهد رسول الله للحرف والضایع والعمالات الشرعیه» نگاشته است.

وی نظام اداری اسلام را که در کتاب‌های مختلف سیره و منازعی پراکنده بود، به شکل پیوسته عرضه کرد.

اولین آثار در دوران پیدایش مدیریت، به شکل دانش مستقل، به اواخر سال ۱۳۴۰ ش مربوط است. در این دوره استاد متفکر شهید مطهری با تنظیم دو مقاله «مدیریت و رهبری اسلام» و «رشد» پشت‌از طرح این مباحث است (همان).

آمار نشان می‌دهد بعد از انقلاب اسلامی ایران، هر سال حدود هشت کتاب درباره مدیریت اسلامی چاپ شده است (همان).

برخی از آثاری که در سال‌های اخیر با عناوین مختلف بحث «نقش جهان بینی در مدیریت» را مطرح کرده‌اند عبارت‌اند از:

مجله قرآن و علم / شماره چهارم / سال سوم / بهار و تابستان ۱۳۸۸ ش / ۱۴۵

۱) پیش نیازهای دانش مدیریت، محمد تقی مصباح یزدی.

۲) مدیریت و فرماندهی در اسلام، ناصر مکارم شیرازی.

۳) مدیریت در اسلام، ولی الله نقی پورفر.

۴) مدیریت از منظر کتاب و سنت، سید صمصام الدین قوامی.

۵) مدیریت اسلامی سید علی اکبر امجدی.

۶) نگرشی بر-مدیریت اسلامی، سید رضا تقوی دامغانی.

۷) مدیریت در اسلام، جمعی از نویسندگان زیر نظر سید مهدی الوانی.

از نشریاتی نیز که در این موضوع به چاپ می‌رسند، می‌توان به دو فصلنامه اشاره کرد:

فصلنامه فرهنگ مدیریت، مجتمع آموزش عالی قم

نخل شناد، فصلنامه تخصصی مدیریت اسلامی

نقش جهان بینی در مدیریت

مبانی مدیریت در قرآن

با دقت در مبانی «علم مدیریت» به دست می‌آید که جهان بینی نظریه پردازان این علم و به تعبیر دیگر بینش آن‌ها نسبت به «نظام هستی و اجتماع، «انسان» و دانش مدیریت»، نقش اساسی در دگرگونی این علم داشته است. بدیهی است تعبیر بینش نسبت به این سه مقوله، تغییرات اساسی و تحول علم مدیریت را در پی دارد. از این رو سه موضوع مذکور را از نگاه قرآن بررسی می‌کنیم.

۱. نظام آفرینش از نظر قرآن

گام اول: قرآن کریم در این باره نخست به سراغ اندیشه‌ها می‌رود و از درون، نگرش‌ها را به خالق جهان معطوف می‌کند و به مبده واحدی می‌رساند و می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ مَلَكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (مائده/ ۱۸).

با این پیش، نظام آفرینش یا تمام تنوعش بر وحدت و یگانگی مبتنی است و شاکرد این مکتب در متن همه کثرت‌ها، وحدت را مشاهده می‌کند و می‌بیند که هر موجودی تسبیح گویان سر بر آستان واحدی می‌ساید که کل عالم هستی را تحت سیطره و هدایت دارد، بنابراین همه موجودات از او سرچشمه گرفته‌اند او بر می‌گردند ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾.

گام دوم: در مرحله بعد به این حقیقت می‌رسیم که نظام تشریح با نظام تکوین کاملاً هماهنگ است. و با تعبیر ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (انبیاء/۹۲)؛ به راستی که این (روش پیامبران) آیین شماسست، در حالی که آیین یگانه‌ای است و من پروردگار شما هستم پس [امرا] پرستش کنید، چنین یادآور می‌شود:

اگر به شکل امت واحد در مسیر عبودیت من حرکت کنید، این رویکرد هم جهت با تربیت من می‌باشد. به عبارت دیگر تمام اعضای این پیکره که زیر چتر همت واحد جمع شده‌اند، اگر کوچک‌ترین حرکتی خلاف بندگی من، در زاویه‌ای در سازمان آفرینش انجام دهند، موجی در دیگر قسمت‌ها ایجاد می‌شود و جهان همچون چشم و حط و حال و ابروست که هر کدام به جای حریش نیکوست.

این نگاه قرآن به تمام هستی می‌باشد که اگر انسان حرکتی بر خلاف قوانین (تشریح و تکوین) عالم بکند، تأثیرگذار است و به مشکل بر می‌خورد و نظام هستی او را همراهی نمی‌کند و به چشم وصله ناچور به وی می‌نگرد.

حال اگر یک مجموعه و سازمانی با مدیریتی خاص به خلاف حرکت نظام عالم حرکت کند، نتیجه مشخص است (ر.ک: تقوی، سید رضا، همان، ۹۹، آیت الله مصباح و آیت الله مکارم شیرازی نیز در کتب مدیریت خود بر این امر تأکید دارند).

یکی از صاحب نظران علم مدیریت می نویسد:

اگر دایره نگاه را محدود به یک جامعه بکنیم، یک سازمان، یک سیستم بار است و یا محیط خارج از خود، یعنی محیط اجتماع، ارتباط در سوبه دارد. محیط اجتماع هم، تابع یک مجموعه ضوابط است که سیستم سیاسی و حکومتی جامعه، آن اصول را جاری می کند. از این رو تمام نهادهای اجتماعی هر جامعه از حکومت آن جامعه تأثیرپذیرند و سازمان همه، به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی، تحت تأثیر حکومت است. (به عنوان مثال) وقتی حکومت یک کشور اسلامی است و نظام خود را اسلامی تعریف می کند، باید ویژگی ها و خصوصیات و همچنین اهداف نظام اسلامی را تبیین کند و تمام سازمان ها و مجموعه های کوچک و بزرگ که در این نظام وجود دارند، باید به این خصوصیات و اهداف حکومت اسلامی توجه کنند.

اهداف یک سازمان در نظام اسلامی باید در طول اهداف نظام باشد. بر این اساس مدیران سازمان ها و مجموعه ها در حکومت اسلامی باید اهداف مرحله ای خود را در طول اهداف نظام اسلامی تعریف کنند به گونه ای که علاوه بر دست یابی به اهداف سازمانی، نیاز و مشکلی را از جامعه بر طرف و نظام را برای رسیدن به اهدافش یاری کند (برگرفته از: نفی پورفر، ولی الله، همان، ۱۰۰).

۲. انسان از نظر قرآن

از نظر قرآن انسان دو بعد (مادی و ملکوتی) دارد و هر بعد از وجودش نیازهای خاص خود را می طلبد و پاسخ به هر بعد، ما را از پاسخ دهی به بعد دیگر بی نیاز نمی کند و افراط یا تفریط در هر کدام انسان را از مسیر تعادل و سعادت خارج می سازد.

از طرفی در طول تاریخ هیچ مکتبی مانند مکتب نبیاء برای انسانیت ارزش قائل نشده است. این مکتب اهداف والایی برای آفرینش بر می شمارد و راهکار

می‌دهد از این رو لازم است برخی از آیات - که معرفه دیدگاه قرآن نسبت به انسان می‌باشد - را مرور کنیم.

انسان در قرآن

۱. ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾. (بقره / ۳۰)؛ «(و) یاد کن هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان فرمود در حقیقت من در زمین، جانشینی [= نماینده‌ای] قرار می‌دهم».

۲. ﴿إِنَّا سَوَّيْنَاهُ وَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾. (حجر / ۲۹)؛ «و هنگامی که او را مرتب نمودم و از روح خود در او دمیدم».

۳. ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾. (بقره / ۳۱)؛ «و [خدا] همه‌ی نام‌ها را به آدم آموخت».

۴. ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُحْرِ وَالْبَحْرِ وَوَضَعْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء / ۷۰)؛ «و به یقین، فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌ها) سوار کردیم و آنان را از پاکیزه‌ها روزی دادیم و ایشان را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم، کاملاً برتری دادیم».

۵. ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَخَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب / ۷۲)؛ «در حقیقت، ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، ولی [از برداشتن آن سر بار زدند و بار آن بیمناک بودند و انسان آن را بر دوش کشید؛ در واقع، او بسی ستمگر و بسیار نادان است».

۶. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾ (بقره / ۳۴)؛ «(و) یاد کن هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید» و (همگی) سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید».

مجلس باقرهای حبیبی در مدینه
مجلس ملاقاتی ۱۴۸

۷. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». (مانده / ۳۲)؛ «هر کس، شخصی را، بدون (ارتکاب قتل) کسی یا فسادی در زمین، بکشد، پس گویا همی مردم را کشته؛ و هر کس، شخصی را زنده بدارد.

لرزش انسان را باید از زبان گویای قرآن کریم شنید و انبیای الهی - به ویژه پیامبر اکرم - که مفسر و معلم این کلاس انسانیت هستند، برای به فعلیت رساندن این استعدادها و رشد ارزش‌های انسانی مرستاده شده‌اند.

انسان اگر از استعدادهای ذاتی و نیروهای نهفته در وجود خود و جامعه بی‌خبر باشد و راه متعادل کردن و جهت‌دهی و مدیریت آن را نداند فاجعه‌های عظیم به بار خواهد آمد، از جمله این فجایع انحرافات فکری است که در قالب‌های مختلف (انحراف جنسی و فحشا، نجم‌گرایی و اسیر زندگی ماشینی شدن و بسیاری از مشکلات که گریبان‌گیر جامعه بشری می‌باشد) رخ نموده است.

قطعا شناخت خدا، قوانین و اصول حاکم بر جهان هستی و به ویژه شاکت انسان و قوانین حاکم بر نیروها و امکانات موجود، زمینه‌ساز موفقیت در مدیریت می‌باشد.

۳. مفهوم مدیریت با نگاه قرآنی

صاحب نظران مفهوم جدیدی از مدیریت را، با توجه به قرآن و منابع اسلامی، عرضه کرده‌اند. شهید مطهری معتقد است:

مدیریت و رهبری که بشر امروز می‌شاسد، از حدود رهبری در مسائل اجتماعی و ماده تجاوز نمی‌کند؛ ولی از دیدگاه قرآن، در مدیریت، نه تنها مدیریت اجتماعی و مادی مدنظر است، بلکه مدیریت معنوی و راهمایی به سوی اهداف والا نیز مطرح است (مطهری، مرتضی، امذادهای غیبی در زندگی بشر، ۱۱۰).

به عبارت دیگر: «مدیریت» از «ایدئولوژی» سامان می‌گیرد و «ایدئولوژی» همیشه از «جهان بینی» سرچشمه می‌گیرد (مکارم شیرازی، ناصر، مدیریت و فرماندهی در اسلام، ۱۵) به همین خاطر مدیر و رهبر از نظر قرآن باید به دست خدا انتخاب شود و از ملاک‌های مدیر موفق را تعیین کند؛ از این رو قرآن می‌فرماید:

﴿فَوَالَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ...﴾ (جمعه ۲/۲): «و کسی است

که در میان جمیعت درم نتوانده رسولی از خودشان برانگیخت...»

﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا...﴾ (بقره ۲۴۷): «... گفت. خداوند

طالوت را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.»

بنا بر این مبانی مدیریت باید بر مبنای فلسفه بعثت انبیاء و دستورات الهی باشد و گرنه مدیریت همان خواهد شد که در کشورهای «لانتیک» سر از رسوائی در آورده است.

مدیریت از نگاه صاحب نظران

صاحب نظران دانش مدیریت بدون توجه به قرآن، مفهوم مدیریت را تصویر کرده‌اند.

در این جا گریده‌هایی از نظریات معروف اندیشمندان و مفاهیم عمده مورد نظر آنان را در مورد پیدایش مدیریت مرور می‌کنیم.

۱. مدیریت کلاسیک: (۱۷۷۶م) بر مبنای نظر «آدام اسمیت» (Adam smith) به وجود آمد. وی در کتاب «بررسی علت و ماهیت ثروت ملل» به بررسی تأثیر «تقسیم وظایف» در «افزایش تولید» پرداخت.

۲. مدیریت علمی: (۱۹۱۹م) بر مبنای نظر «فردریک وینسلو تیلور» (F. W Taylor) به وجود آمد. او در کتاب «اصول مدیریت علمی» به تقسیم

وظایف، تعیین واحد کار، بررسی زمان و مکان حرکت در انجام واحدهای کار، هماهنگی میان آنها، تهیه و تدوین برنامه برای چگونگی انجام کار، و روش علمی در برنامه‌ریزی و اجرا تأکید کرد.

۳. مدیریت کلاسیک نوین: با نظر «هانری فایول» (Henry Fauol) شکل گرفت. فایول در مقاله خود به نام «مدیریت عمومی و صنعتی» که در سال ۱۹۳۰ م از فرانسه به انگلیسی برگردانده شده، شش دسته امور را برای هر سازمان معرفی کرد و طرح‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل را از وظایف اصلی مدیران دانست.

۴. دیوان‌سالاری: مارکس ویر (Max weber) در کتاب «نظریه سازمان اجتماعی و اقتصادی» که در اصل به زبان آلمانی نوشته، اصطلاح بوروکراسی را با معانی نظم و ترتیب، قاعده و قانون، سیستم و منطق، ثبات و ضبط، ضابطه به جای رابطه و رعایت مقررات و روابط رسمی، مطرح کرد. این کتاب در سال ۱۹۴۷ به انگلیسی برگردانده شد و به غای معارف مدیریت مکتوب آمریکا افزود.

۵. مدیریت روابط انسانی: «التون مایو» (E. Mayo)، «فریتز روزلینبرگر» (Rochlilberser) و «وینيام دیکسن» (W. Dickson) موفق به کشف اهمیت احساس به وجود آمده در کارکنان (ناشی از توجه مدیران) در افزایش تولید آنان شدند و نقش روابط غیر رسمی را در تقویت یا تضعیف مدیران ذکر کردند.

۶. نظریه سیستم‌ها: نظر «ال لون بر تالفی» (Beratalanfy) زیست‌شناس معروف اتریشی دایره بر توقف حیات سلول یا اندام موجود زنده در اثر قطع رابطه آن با محیط، به پدید آمدن نظریه سیستم‌های باز و بسته انجامید. «کاتز» (Katz) و «کان» (Kahn) سیستم‌های سازمان اداری را به عنوان یک سیستم باز معرفی کردند. این نظریات در مجموع بیان می‌دارند که ارتباط سازمان اداری با عوامل محیطی مشابه، ارتباط سیستم‌های بدن با محیط آن‌هاست.

لا نظریه اقتصاد: «برونز» (Burns) و «استاکر» (stalker) سیستم مکانیستی (ماشین گونه) و سیستم ارگانیکی (زنده) را بیان می کنند. سیستم ارگانیکی دارای انعطاف پذیری بیشتر و ساختاری نرم تر از سیستم مکانیستی است و به کارکنان در اتخاذ تصمیمات، مشارکت و اعمال نظر، اجازه بیشتر می دهد. آنان سیستم های مکانیستی را برای شرایط محیطی ثابت و کم تغییر و سیستم های ارگانیکی را برای شرایط محیطی متغیر و پویا مناسب تر می داند. (چشمی لار نویسنده گان، نگرشی بر مدیریت در اسلام، مقاله دکتر پرنجی، ۱۴۰۰ به بعد).

با مرور این نظریه ها به چند مطلب می رسیم.

۱. این دانش، در قدم های اول برای بهره وری بیشتر، به مدیریت علمی و برنامه ریزی و تقسیم کار و... می پرداخت. اما صاحبان «مکتب روابط انسان» به روابط غیر رسمی و «وجود احساسات و عواطف» انسان ها در حین کار پی بردند؛ این که اگر به احساسات و عواطف آن ها توجه شود، پاره های بهره وری بیشتر می شود. از این رو تغییر برنامه ها آغاز و طوری برنامه ریزی شد که به عواطف و احساسات کارکنان توجه شود و به آن ها به دیده احترام نگریسته شود.

نقش باورهای دینی در مدیریت
مهندس علاءالدینی @ ۱۵۴

ما در آموزه های دینی اصل کرامت انسانی را داریم که مورد تأکید واقع شده است. لذا اصل تکریم انسان در «مدیریت اسلامی» یا مدیریت در «مکتب روابط انسانی» در غرب مشترک است، که این برای اهداف عالی انسانی الهی است (که نتایج مادی نیز در پی دارد) و آن تنها برای بهره وری بیشتر است. یعنی همان طور که مکاتب قبلی انسان، روابط انسانی و... را فدای بهره وری بیشتر می کردند این مکتب هم همه را برای بهره وری بیشتر به خدمت می گیرد که ارزش و نتیجه آن معلوم می باشد. زیرا تکریم طبیعی الهی که وظایف مدیران است کجا تکریم و

احترام برای بهره‌وری بیشتر کجا؟ و بدیهی است که آثار مادی آن نیز در گذر زمان از بین می‌رود. از طرفی دستورات الهی تشویق به استثمار و استعمار انسان توسط انسان را متفی می‌سازد.

۲. در مکاتب دیگر، مدیریت برای رسیدن به هدف‌های «مادی» در خدمت انسان است، ولی قرآن مدیریت را ابرازی برای حاکم کردن ارزش‌ها در جامعه و مجموعه تحت مدیریت خود می‌داند (حج / ۴۱، برگرفته از: معرفت، س پنجم، ش ۲، ص ۲۹).

۳. در مکاتب دیگر، رسیدن به ریاست، مدیریت و... هدف است و افراد گاهی برای به دست آوردن این طعمه، به شدت تلاش می‌کنند، ولی در اسلام به مدیریت و رهبری به چشم امانت نگاه می‌شود و باید از این امانت به خوبی محافظت شود. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء / ۵۸)، (ر.ک: تفسیر تبیان، ذیل آیه).

۴. یکی، در مکتب اخیر نسبت به مکاتب سابق رشد چشمگیری داشته‌اند و صاحبان آن‌ها سعی می‌کنند چند بعدی به مسائل نگاه کنند و می‌گویند در یک سازمان فقط ابعاد داخلی و روابط بین کارکنان مطرح نیست، بلکه جایگاه اجتماعی و وابستگی آن به لِرگان‌ها و نهادهای بزرگ‌تر نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

به رغم این رشد، باز «عامل معنویت» و «اهداف الهی» در آن‌ها مطرح نیست و برنامه‌ریزی‌ها و منابع انسانی را برای بهره‌وری بیشتر می‌خواهند، نه برای اهداف عالی الهی - انسانی (برگرفته از: حسینی سیاهپوش، سید محمود، ماسیبات انسانی در مدیریت اسلامی، ۱۳۰ - ۱۴۰). به عنوان مثال ممکن است شخصی بگوید هدف‌های جزئی و نزدیک، در تمام مدیریت‌ها و فرماندهی‌ها، رسیدن به «باردهی بیشتر» در «زمان کوتاه‌تر» می‌باشد، ولی از دید قرآن، این مدیریت نمی‌تواند از اهداف کلی الهی و انسانی اصل مذهب و حکومت جدا باشد، بلکه

باید جهت‌گیری تمام اهداف جریس در راستای آن اهداف کلی و الهی والا باشد؛ نه در جهت مخالفت یا بی‌تفاوت نسبت به آنها، زیرا انسان نمی‌تواند به گونه‌ای ناموزون و وصله‌ای ناهماهنگ در این جهان هستی زندگی کند و به همان اندازه که از اهداف «نظام عالم» و «مدیریت صحیح» فاصله می‌گیرد، یا شکست و ناکامی روبه‌رو خواهد شد.

همین مسئله «همهانگ شدن» با اهداف «الای الهی» مدیریت قرآنی را از مدیریت‌های دیگر متمایز می‌کند، زیرا کاربرد این معیارها و رعایت این اصول مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... را حل می‌کند و به مراتب از معیارهای مکاتب دیگر شایسته‌تر شده است (مکارم، ناصر، مدیریت و فرماندهی در اسلام، ۲۵).

نتیجه: «میانی دانش مدیریت» از سه مقوله اساسی تشکیل می‌شود، از این رو پیش‌نظریه‌پردازان مدیریت نسبت به «انسان»، «نظام آفرینش (و جامعه)» و «مدیریت» در دگرگونی دانش مدیریت نقش اساسی دارد و به عبارت دیگر: مکاتب مدیریت کلاسیک و نئوکلاسیک و تهذیب و روابط انسانی تا برسد به مدیریت اقتضایی و سیستمی، از میانی فکری گروه‌ها و مکتب‌ها نسبت به این سه مقوله متأثر می‌باشند.

با توجه به مطالبی که عنوان شد قرآن ارزش زیادی برای انسان قائل است و به دو بعد (مادی و معنوی) و نیازهای هر بعد توجه دارد. وقتی پیش قرآن در مورد این سه مقوله متناوب شد، میانی مدیریت از دیدگاه قرآن نیز متفاوت خواهد شد. در نتیجه باید دانش مدیریت جدیدی بر اساس آموزه‌های قرآنی شکل بگیرد.

منابع

۱. افجه‌ای، سید علی اکبر، مدیریت اسلامی، واحد فوق برنامه بخشی فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴، ج اول.
۲. تقوی دامغانی، سید رضا، مگرش بر مدیریت اسلامی، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ج دوم.
۳. جمعی از نویسندگان، دیباچه‌ای بر مدیریت اسلام، سازان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، ج اول.
۴. جمعی از نویسندگان، زیر نظر سید مهدی الوانی، مدیریت در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۴، ج سوم.
۵. جمعی از نویسندگان، مگرش بر مدیریت در اسلام، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲، ج اول.
۶. حسینی سیاهپوش، سید محمود، ماسیات انسانی در مدیریت اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا، ج اول.
۷. رضایی اصغهبانی، محمد علی، رابطه علم و دین در عرب، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۹، اول.
۸. رضائیان علی، اصول مدیریت سحت، تهران، ۱۳۶۵.
۹. قرلمی، سید صمصام الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، دبیرخانه مجلس خبرگان، قم، ۱۳۸۲، ج اول.
۱۰. مجموعه علمی تخصصی در زمینه علوم انسانی معرفت، قم - مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، س پنجم، ش ۱.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، اخلاق مدیریت در اسلام، هدف، قم، ۱۳۶۹، چهارم.
۱۲. مصباح بردی، محمد تقی، آموزش عقاید، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، ش.
۱۳. همو، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۹، ج اول.
۱۴. مطهری، مرتضی، املادهای غیب در زندگی بشر، صدرا، تهران، ۱۳۷۲، ج ششم.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲، ج دهم.
۱۶. همو، مدیریت و فرماندهی در اسلام، هدف، قم، ۱۳۶۹، ج چهارم.
۱۷. تقی پورفر، ولی الله، مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، اول.